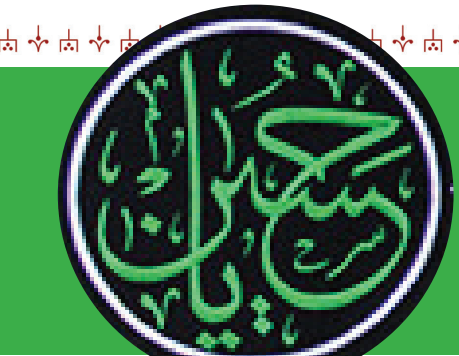




## روایت هایی از چند نذر متفاوت

# نذرهای کم نظیر



### نذر بازی



خودش را یک طلبه معلم معرفی می کند. تدریس در مدارس و ارتباط با بچه ها و والدین واقعیت های ناراحت کننده ای را از با هم بودن های خانوادگی خبر می داد. برخی والدین از اعتیاد بچه هایشان به تلفن همراه می گفتند و ارتباطی که دارد بی رنگ می شود. این معضل در خانواده های بالای شهری و متمکن یک جور خودش را نشان می داد و در خانواده های کم برخوردار حاشیه شهرنشین، یک طور دیگر. برخی محافل مذهبی نیز دغدغه مشترکی داشتند و از ریزش مخاطبان نوجوانان تعریف می کردند، نسخه ای که حجت الاسلام محمد رضا رجبی برای این درد روبرو گسترش پیچید. از جنس یک وقت گذرانی کم فایده به حساب نباید. از آبان ۹۸ که مجموعه بازی رسان کلید خورد تا الان هرگز نگاهمان کسب منفعت نبوده است. برای ترویج بازی های درست و حسابی سرمایه ای هم از خودمان نداشتیم. مردم پای کار آمدند و با نذر مبالغی برای خرید وسایل بازی، کمک کردند تا موجودی مان از ۱۰ عنوان بازی به بالغ بر ۱۵۰ عنوان بازی برسد و دیده شویم، نه فقط در مشهد، بلکه در نقاط مختلف کشور از یزد، اهواز و نیشابور گرفته تا ساری، گنبد کاووس و...، یک کافه بازی هم راه اندازی کردیم که مخاطب آن نوجوان های مذهبی هستند و اثران نوجوانی که از اقصا نقاط کشور برای زیارت به مشهد می آیند تا با چند دست بازی زیر نظر مربی آموزش دیده، حظ حضورشان به شهر لایق تیرسانند. مدیر مجموعه بازی رسان می گوید: نذورات مردمی صرف چند چیز می شود، مثلا خرید وسایل بازی برای مساجد و حسینیه ها، همین طور دادن تخفیف به عموم مردم. بازی ها حجیم و سنگین هستند و هزینه ارسالشان زیاد در می آید. اگر مردم پای کار بیایند، می توانیم هزینه های ارسالش به شهرستان ها و مناطق محروم را حذف کنیم. یک نمونه از برکت انس بچه ها با فضا های مذهبی از طریق بازی کردن را نیز این طور برایمان شرح می دهد: شب های قدر در فضایی که کنار یکی از حسینیه ها بود، وسایل بازی نوجوان ها را فراهم کردیم. قرآن به سر گرفتن را کوتاه برگزار کردیم، صرفا در این حد که بچه ها در فضای شب قدر باشند. سوای خاطر جمعی والدین از حضور نوجوانان در محیطی امن، هنوز با آن نوجوان ها ارتباط داریم و برایشان کلاس می گذاریم. این ارتباط با ارزش و شب های قدر کلید خورد و اگر آن با کسانی است که در این نیت خیر مشارکت کردند، آدرس صفحه اینستا گرام این مجموعه جهادی به نشانی @bazireshan را هم یادآوری می کند برای آن هایی که نیت نذر را محدود به مواردی هر چند با ارزش اما متواتر مثل نذرهای خوراکی نمی بینند.



«کاش هیچ کس هیچ وقت این دلهره را تجربه نکند و نشنود چیزهایی را که د کنرها در باره سلامتی مادر می گفتند؛ اینکه این عمل جراحی خطر دارد، شانس موفقیتش بالا نیست، شاید نخاع مادر مثل اولش نشود و او برای همیشه بخشی از قدرت پاهایش را از دست بدهد، شاید هم تا آخر عمر اسیر ویلچر شود. ۱۰ سال از آن روزها می گذرد. با این حال کام، حسین، از یادآوری خاطرات نگرانی هایش تلخ است. «شکستگی کمر مادرم خورده بود به ایام محرم. رفته بودم هیئت. مداح داشت روضه علی اصغر<sup>(ع)</sup> را می خواند. از دست های کوچکی می گفت که گره های بزرگی را بازمی کند. همان جابه این آقا زاده متوسل شدم و با او قرار بستم. یک قرار سفت و محکم تا آخر عمر که اگر مادرم سالم و سرپا شود، هر سال دهه اول محرم، یک دست لباس سقایی رابه بچه های شیرخواره هدیه بدهم. از همان بلوز و شلوارهای سپید و چغیه و سربندها که دیده اید حتما.» مداح در دست گفته بود. دست های کوچک علی اصغر<sup>(ع)</sup> گره بزرگ حسین را باز کرد. عمل با موفقیت انجام شد و او امسال برای یازدهمین بار،



فقط هفت سال دارد. با آن دست شکسته و گچ گرفته شده، روی خواسته اش یا فشاری می کند. می خواهد خادم عزاداران ابا عباد...<sup>(ع)</sup> باشد. هر چه هم به او گفته می شود که با این وضعیت جسمی، امسال از خدمت معافی فایده ندارد. شاید نمک گیر شدن او و دیگر کودکان داوطلب برای خدمت در این هیئت ریشه در نذرهایی دارد که محرم پارسال و امسال، چراغ حسینیه کودک را روشن نگه داشته است. صفیه مدیر این حسینیه است. ماجرای نذورات مردم برای کودکان را این طور برایمان شرح می دهد: «مادر حسینیه کودک که از پارسال جنب هیئت بزرگ سالان راه انداخته ایم، کار فرهنگی متفاوتی انجام می دهیم. درباره محتوای محرم با روش های و زبانی که مناسب سن و سال کودکان باشد فعالیت می کنیم. به طوری که بچه ها قهرمانان کربلا را الگوی خود قرار بدهند.» روش هایی که او می گوید، دقیقا همان هاست که بچه ها عاشقش هستند، مثل رنگ آمیزی، رده بندی سنی کودکان در سه ردیف چهار تا شش سال، هفت تا ۹ سال و ۱۰ تا ۱۲ سال دستشان را باز گذاشته است تا برای بچه های بزرگ تر هوش و خلاقیت و وسواس رسانه ای را هم در آموزش هایشان بکنجانند. صفیه از هزینه ملزوماتی می گوید که برای سرپانگه داشتن این حسینیه نیاز است، از ملزومات آموزشی گرفته تا کادو هایی که هر شب به تمام

### نذر تربیت عاشقان حسینی

بچه ها داده می شود تا با خاطره ای خوش، مجلس سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> را ترک کنند. به امید فردا شب و حضور دوباره در حسینیه. تجربه یک ساله و خلوص نیت بانیان این نذر، جواب داده است. این رامی شود از جمعیت کودکانی فهمید که با جمعیت حضار بزرگ سال برابری می کند. «ما والدینی داریم که می آیند بچه شان را می گذارند پیش ما و می روند. می گویند این بچه با نامی آید فلان جا و اصرار دارد که من را برید حسینیه کودک.»

دلیل دیگری که برای جواب دادن این نذر دارد، جمعیت کودکانی است که امسال برای خادمی داوطلب شده اند، مثل همان کودک هفت ساله ای که اصرار دارد با آن دست شکسته، در زمره خادمان حسینی باشد. صفیه می گوید: ما برای بچه ها مسئولیت می تراشیم، مثلا برخی را مسئول تراشیدن مداد کودکانی می کنیم که رنگ آمیزی دارند. امسال از یک ماه پیش به کودکان داوطلب برای خدمت کلاس گذاشتیم و فرهنگ خدمت به مهمان آقا ابا عباد...<sup>(ع)</sup> را آموزش دادیم. به امید تربیت دل داده حسینی و استفاده از توان بچه ها برای مدیریت حسینیه کودک. او با اطمینان می گوید اجر وقت و توان مالی ای که برای این کار خرج می شود از اجر سایر نذورات کم نمی آید. چندان شاء... را هم می گذارد تنگ صحبت هایش به این امید که صاحب این خیمه زحمات خادمان و نذر کنندگان را با لطفش پدیدر.

عکس: احمد حسینی | شهرآرآ



### نذر دست های کوچک حضرت علی اصغر(ع)

در تدارک ادای نذرش است. به قول خودش سالی که اوضاع مالی اش روبه راه بود، تعداد بیشتری لباس تهیه کرد. سالی هم که دستش تنگ بود، کمتر تدارک دید اما اصل نذر را به جا آورد. اینکه چرا از میان انواع نذر ها سراغ نذر لباس عزاداری برای شیرخوارگان رفته است هم فلسفه ای دارد برای خودش. «کار فرهنگی ریشه دار و تربیت نسلی پیرو اهل بیت<sup>(ع)</sup> را باید از کودکان شروع کرد. با خودم فکر کردم وقتی بچه این لباس را به تنش کند، هم در حال و هوای والدینش اثر دارد و آن ها را متوجه تکلیفشان می کند هم اینکه اعضای خانواده حتما عکسی یادگاری از طفل با این لباس تهیه می کنند. دوروز دیگر که بزرگ شود، دیدن این عکس با این لباس برایش تلنگر می شود؛ اینکه پدر و مادرم عشق چه کسی را در دل داشتند و می خواستند من پیرو چه کسی باشم.» او امسال نذرش را بزرگ تر کرده و سراغ تهیه پیراهن مشکی مردانه برای همکارانش هم رفته است. به این امید که این پیراهن را در عزاداری های محرم و صفر به تن کنند و از میان تمام حزن و ماتمشان بر مطلوبیت و غربت کاروان سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> حتی شده اجر یک قطره اشک سهم او باشد.

### نذر فرهنگ



چقدر خوب که این قدر عجله دارد و هر بار که تماس می گیریم، تند تند حرف می زند و چقدر خوب تر که برای زمان مصاحبه، پیشنهاد نخستمان را به دلیل مشغله نمی پذیرد. این یعنی سر مجموعه کتاب رسان حسابی شلوغ است و مردم خاطر خواه سبکی از ترویج کتاب خوانی شده اند که پایه گذارش مرحوم حجت الاسلام علی صفوی شاملو بود، همان که در صفحه اینستاگرامش، خود را «یک طلبه سابقا مهندس، مؤسس کتاب رسان، پادو بسیجی های جبهه فرهنگی انقلاب، معرفی کرده بود. علیرضا ملکی مدیر کنونی این مجموعه است که نذر کتاب با قدمتی چهار ساله را یکی از یادگاری های مرحوم شاملو معرفی می کند؛ نذری که هر چند جای خود را بین مردم باز کرده است، هنوز تا حد مطلوب فاصله دارد. با همان ضرب آهنگ تند بر ایمان توضیح می دهد: ما چند مدل نذر کتاب داریم. یکی این است که فرد، کتابی را مثلا در باره امام حسین<sup>(ع)</sup> می خواند، خودش می آید و در خودش تغییر مثبتی حس می کند. تعدادی از آن کتاب را با تخفیف از کتاب رسان می خرد و هدیه می دهد. می تواند محل توزیع، مثلا در فلان منطقه کم برخوردار، را خودش انتخاب کند و از نیروی انسانی این مجموعه بخواهد ادای نذر را به عهده بگیرد. همین طور می تواند انتخاب محل توزیع را به ما بسپارد.

شیوه دومی که او برای نذر کتاب مطرح می کند، ساده تر است و بیش از پشتوانه مالی قوی، نیتی بزرگ می خواهد. «خبر می تواند هر مبلغی را که دوست داشته باشد، مثلا ۱۰ هزار تومان، به عنوان نذر فرهنگی روی سایت کتاب رسان پرداخت کند. مثلا با این نیت که خرج فرهنگ و تجهیز کتابخانه های روستایی شود.» سوای موارد یاد شده، گلریزان های مناسبی برای نذر کتاب در سایت و صفحه اینستاگرامی کتاب رسان برگزار می شود، مثلا گلریزانی که بناسث ششم محرم امسال رونمایی شود.

او می گوید لایه لای محموله کتاب هایی که روستاها از کتاب رسان تهیه می کنند، یک جلد کتاب می گذاریم که روی آن برجسب وقف در گردش خزیده است. تأمین هزینه آن از محل نذرهای فرهنگی است و با این معنی که هر کس این کتاب را بخواند، آن را در اختیار فردی دیگری بگذارد تا کتاب خوانی گسترش پیدا کند.

### پناهی برای فرزندان بی پناه



روال زندگی به هم ریخته بود. چندگه اساسی در کار افتاده بود که هیچ جور باز نمی شد. ورشکستگی با بایک طرف، حال ناخوش جسمی اش یک طرف، بیماری داماد خانواده یک طرف و چالشی که بر سر راه شغل فرزند خانواده پیش آمده بود، ضلع چهارم این وضعیت دشوار را ساخته بود. «سعیده، هیچ راهی بلد نبود جز توسل به شهید کربلا<sup>(ع)</sup>. می دانست که آقا دست رد به سینه اش نمی زند ورشته امیدش را پاره نمی کند. کرامت این خاندان را در قصه های کودکی اش از زبان مادر شنیده بود. «مادرم از همان قدیم ها که جوان بود و تازه عروس، با امام حسین<sup>(ع)</sup> قول و قراری گذاشته بود، اینکه اگر حضرت<sup>(ع)</sup> دامنش را سبز کند و صدای بچه توی چاردیواری خانه شان بیچد، هر سال ظهر عاشورا به مردم غذای نذری بدهد. حاجت های دیگری هم داشت که آقا همه را اجابت کرده بود.» او می گوید با این پیشینه ذهنی وقتی که مشکلات یاد شده برای خانواده اش پیش آمد، دوباره به سراغ سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> رفت و آبروی حضرت را واسطه خودو خدا قرار داد. «می خواستم نذر مادرم را دامامه بدهم تا پخت و پز ظهر عاشورا در مقیاسی بزرگ تر انجام بشود. بیک دو سالی هم این کار را کردم اما بعد دیدم واقعا از پس هزینه ها و کارهای اجرایی اش بر نمی آیم. این طور شد که ناچار به تغییر نذر شدم. کاش خدا از من قبول کند.» سعیده مربی فوتسال و موسس یکی از کادامی های فوتسال شهر است. برایمان از دختران با استعدادی می گوید که امکان پرداخت هزینه های شرکت در دوره ها را نداشته اند، مثل صنم که آتش سوزی پدرش را از او گرفت یا مثلا نسیم که پدرش متعادل بود و سال ها پیش آن ها را ترک کرد، بدون اینکه نام و نشانی از خود به جای بگذارد. از مهدیه هم می گوید که خانواده ای ندارد، زیر پوشش بهزیستی قرار دارد و سایه سری برای حمایت از ورزش او در کار نیست. منصوره را هم مثال می زند که پدرش با سرطان از دنیا رفت و درآمد خانواده اش کفاف پرداخت هزینه های ورزش حرفه ای او را نمی دهد. «استعداد این بچه ها را که دیدم، توی ذهنم جرقه زد که با تحت پوشش گرفتن آن ها و آموزششان دینم را ادا کنم. هر ترم هر چند نفر راوسعم برسد، حمایت می کنم. از خرید لباس های ورزشی شان گرفته تا هزینه های سالن، مربی، اردوها، بیمه و این طور چیزها.» سعیده در این «نذر آموزشی، تنها نیست و آدم هایی با قلب بزرگ، همراهی اش می کنند، مثل ریحانه، یکی از مربی های استعدادیاب که با وجود نیاز مالی، با نذری مشابه ماهی یکی دو بار، به حاشیه شهر می رود و بی چشمداشت کودکان با استعداد ورزشی را انتخاب می کند.